

گفته سید محسن امین عاملی جامعترین کتابخانه عراق در این موضوعات بود. به اندازه‌ای در تحقیق و تدریس کوشا بود که حتی در اواخر عمرش که نابینا شده بود دست از اشتغالات علمی برنداشت و به املائی تحقیقات خود پرداخت. حاصل املاهای او، کتابی استدلالی در قواعد فقهی به نام *بلغة الفقیه* است (حرزالدین، ج ۱، ص ۱۸۳، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۳؛ امین، ج ۹، ص ۴۰۸؛ محمد مهدی بحر العلوم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۴۷-۱۵۰) که در زمان مؤلف، ۱۳۲۵، در تبریز و در ۱۳۲۸ به قطع وزیری (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۸) و سرانجام در چهار جلد همراه با تعلیقات سید محمد تقی آل بحر العلوم به چاپ رسید (محمد بحر العلوم، ج ۱، ص ۴).

۶) سید محمد مهدی فرزند سید حسن (۱۲۸۳-۱۳۵۱)، در زادگاهش کربلا تحصیل کرد، در قیام مردم عراق برضد انگلیس شرکت داشت و در دولت عبدالرحمن النقیب متصدی وزارت معارف عراق شد (محمد مهدی بحر العلوم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۶۲).

۷) سید محمد علی فرزند سید علی نقی (۱۲۸۷-۱۳۵۵)، از مشاهیر روحانیون خاندان بحر العلوم بود که در مبارزه‌های سیاسی مردم عراق با استعمار انگلیس و سپس قیام مردم عراق (قیام ۱۳۴۰ معروف به «ثورة العشرين») شرکت و رهبری داشت، از نیرو دستگیر و به اعدام محکوم شد که ظاهراً از ترس شورش مردم، حکم اجرا نشد. بعدها رهبران جنبش و علمای عراق او را به عضویت مجلس سنا (مجلس اعیان) برگزیدند (ج ۱، مقدمه، ص ۱۵۹-۱۶۲).

۸) سید محمد تقی فرزند سید حسن (۱۳۱۸-۱۳۹۶)، فقیه و اصولی بود. از درس استادان برجسته حوزه علمیه نجف، چون میرزا محمد حسین نائینی، آقاضیاء الدین عراقی، شیخ محمد حسین اصفهانی، و سید ابوالحسن اصفهانی استفاده برد و شاگردان بسیاری تربیت کرد. مرجع خاص و عام و مراتب قدس و تقوای او زبانزد بود. از تألیفات او کتابهای حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، واقعه طف، حاشیه بر *بلغة الفقیه* (از سید محمد بحر العلوم) را می‌توان نام برد (همان، ج ۱، مقدمه، ص ۱۶۶-۱۶۹).

۹) سید محمد صادق فرزند سید حسن (۱۳۱۵-۱۳۹۹)، ادیب، شاعر، محقق و کتابشناس معروف شیعی بود. تحصیلات خود را نزد میرزای نائینی، میرزا ابوالحسن مشکینی، سید ابوالحسن اصفهانی فراگرفت و در تفسیر شاگرد بلاغی و در علم درایه و حدیث شاگرد شیخ ابوتراب خوانساری بود. او کتابخانه خصوصی بزرگی فراهم کرد که در آن صدها جلد کتاب خطی نفیس یافت می‌شد. دهها نسخه از کتابهای نایاب را دستنویسی کرد. از ۱۳۶۷، به مدت سیزده سال، متصدی

قضاوت در استانهای جنوبی عراق بود. مهمترین اثر او کتاب *دلیل القضاء الشرعی* در سه جلد است که به چاپ رسیده است. همچنین چندین کتاب خطی را پس از تحقیق به چاپ رسانیده است که مهمترین آنها عبارت‌اند از: *تاریخ کوفه* (براقی)؛ *تاریخ احمد بن ابی یعقوب* (یعقوبی)؛ *الحجة على الذاهب الى كفر ابی طالب* (اثر سید فخار بن معد موسوی)؛ *شذور العقود فی ذکر النقاد* (مقریزی)؛ *فرق الشيعة* نوبختی؛ *شرح دیوان شیخ الابطلح ابی طالب*؛ کتاب *البلدان* (یعقوبی)؛ *فهرست و رجال شیخ طوسی*؛ *رجال سید بحر العلوم*. او در ۱۳۹۹ در نجف درگذشت (محمد مهدی بحر العلوم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۷۳-۱۷۷؛ خاقانی، ج ۹، ص ۲۰۶-۲۳۲؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۲۵۹، برای آگاهی بیشتر از شرح حال دیگر افراد این خاندان - محمد مهدی بحر العلوم، ج ۱، مقدمه، ص ۱۲۶-۱۹۳).

منابع: محمد محسن آقا بزرگ طهرانی، *الذریعة الى تصانیف الشيعة*، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳ هجری، *طبقات اعلام الشيعة*، جزء ۱: *نقاء البشر فی القرن الرابع عشر*، جزء ۲: *الکرام البررة*، مشهد ۱۴۰۴؛ محسن امین، *اعیان الشيعة*، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳؛ محمد بن محمد تقی بحر العلوم، *بلغة الفقیه*، چاپ محمد تقی آل بحر العلوم؛ محمد مهدی بن مرتضی بحر العلوم، *رجال السید بحر العلوم*؛ المعروف *بالفوائد الرجالية*، چاپ محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمد بن علی حرزالدین، *معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء*، قم ۱۴۰۵؛ علی خاقانی، *شعراء الغری*، قم ۱۴۰۸؛ عباس فی، *فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة*، قم [بی‌نا].

/ محمد رضا انصاری /

بحر العلوم، سید محمد مهدی بن مرتضی بن محمد
بروجردی طباطبایی، از مشاهیر علمای امامیه در قرن دوازدهم، متبحر در فقه و اصول و حدیث و کلام و تفسیر و رجال. در ۱۱۵۵ (و به قولی در ۱۱۵۴) در کربلا متولد شد. پدر و اجداد او از دانشمندان سرشناس بودند و با بعضی از خاندانهای علمی شیعه، از جمله خاندان مجلسی، خویشاوندی سببی یا نسبی داشتند و به دلیل همین پیوند خانوادگی، بحر العلوم از مجلسی اول به عنوان جد و از مجلسی دوم به عنوان خال (دایی) خود یاد می‌کند (قمی، ج ۲، ص ۶۲). بحر العلوم تحصیلات خود را در زادگاهش نزد پدر و شیخ یوسف بحرانی* (صاحب حدایق) آغاز کرد، و بعد به نجف رفت و نزد شیخ مهدی بن محمد فتونی عاملی و شیخ محمد تقی دورقی و شیخ محمد باقر هزارجریبی به کسب علم پرداخت. سپس به کربلا بازگشت و به حوزه درس وحید بهبهانی* (بهبهانی)، آقا محمد باقر پیوست (بحر العلوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، مقدمه، ص ۶۶؛ مدرّس تبریزی، ج ۱، ص ۲۳۴؛ حبیب‌آبادی، ج ۲، ص ۴۱۶). پس از آنکه وحید به

بزرگان معاصر خود همکاری کند، از جمله در مسایل فتوایی مردم را به تقلید از شیخ جعفر نجفی رهنمون شد و برای قضا و رسیدگی به خصومات، شیخ محیی الدین و برای اقامه جماعت، شیخ حسین نجف عالم و زاهد و امام جماعت مسجد هندی را معرفی کرد. همچنین شاگرد برجسته خود سیدجواد عاملی*، مؤلف مفتاح الکرامه، را به تدوین کتب، از جمله تقریرات درس خود او، که محور آن کتاب *وافی فیض کاشانی* بود، تشویق کرد. خود او نیز علاوه بر تدریس فقه و حدیث، به امور مردم رسیدگی می کرد (همان، ج ۱۰، ص ۱۵۹). در گشودن مشکلات دینی و اجتماعی و برآوردن حوایج نیازمندان کوشا بود و از جمله اقدامات مؤثر او، تعیین دقیق میقاتهای احرام و مشخص کردن محدوده مواقف حج است که در دوران توقف وی در مکه صورت گرفت.

تقوای بحرالعلوم، ضمن اجتناب از هرگونه سخت گیری در امور جاری زندگی، و نیز سخاوت و همت بلند او زبانزد همگان بود، چندان که برخی به گرایشهای عرفانی در وی معتقد شده اند. به هر حال تأثیر این گرایش را در دست پروردگان و برخی از علمای پس از او نمی توان انکار کرد. همه معاصران بحرالعلوم به مقام علم و تقوای او اذعان کرده اند. حتی استاد او، وحید بهبهانی، در سالهای پایانی عمر، چون زوال ملکه اجتهاد را در خود احتمال می داد، در مسایل فقهی از او نظرخواهی می کرد (حبیب آبادی، ج ۲، ص ۴۱۶). خبر تشرف وی به حضور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه به حد توان رسیده است و اصل این تشرف را هیچیک از دانشمندان معاصر یا متأخر از او، انکار نکرده اند. میرزای قمی، مؤلف قوانین الاصول، که خود در ایران مرجعیت داشت و مانند بحرالعلوم از شاگردان برجسته وحید بهبهانی بود، در سفری به عراق، به دیدار سید بحرالعلوم رفت و پس از خلوت شدن مجلس، ضمن اشاره به مقام معنوی او و تشرف به دیدار امام عصر عجل الله تعالی فرجه از وی خواست نکاتی را از آنچه دیده است بازگوید. بحرالعلوم خواست او را فقط به طور سربسته اجابت کرد و رشته سخن را تغییر داد. نوری (۱۳۲۱، ج ۳، ص ۲۸۳) او را از این جهت فقط همردیف سیدبن طاووس دانسته است. با اینهمه وقتی که از وی درباره امکان ملاقات با حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه در دوران غیبت سؤال شد، پاسخ داد که در احادیث شیعه روایاتی مبنی بر تکذیب مدعیان رؤیت وارد شده است (نوری، ۱۴۰۳، ص ۲۳۶؛ نیز - غیبت*). مقام تقوا او را در موقعیتی قرار داده که به گفته مامقانی (ج ۱، بخش ۱، ص ۱۵۶، ج ۳، بخش ۱، ص ۲۶۱)، شخصیت حدیثی وی برتر از وثاقت و فروتر از عصمت است.

بحرالعلوم به عربی شعر می سرود و از جمله آثار او

علت کهولت درس خود را تعطیل کرد، به توصیه استاد به نجف بازگشت و در آنجا حوزه دینی تشکیل داد. شاگردان بسیاری تربیت کرد و به عده ای از علما اجازه روایت داد، که از آن جمله اند: سید صدرالدین عاملی*؛ شیخ جعفر نجفی*، صاحب کشف الغطاء؛ سیدجواد عاملی*، صاحب مفتاح الکرامه؛ شیخ ابوعلی حائری*، صاحب منتهی المقال؛ ملااحمد نراقی*؛ سیدمحمد مجاهد؛ سیدابوالقاسم خوانساری* (که بحرالعلوم از او حکمت و کلام می آموخت و او نزد بحرالعلوم فقه و اصول می خواند)؛ شیخ اسدالله شوشتری؛ میرزا محمد نیشابوری معروف به اخباری*؛ حجت الاسلام شفتی*، شیخ محمدعلی اعسم؛ سید دلدارعلی هندی (خوانساری، ج ۷، ص ۲۰۴؛ امین، ج ۱۰، ص ۱۵۹-۱۶۰).

بحرالعلوم در ۱۱۸۶ به مشهد سفر کرد و هفت سال در آنجا اقامت گزید. در این مدت گذشته از شرکت در مجالس علمی و مباحثه با علما، نزد میرزامهدی شهید خراسانی به فراگیری فلسفه پرداخت و این حکیم او را به سبب مقام شامخ علمیش بحرالعلوم خواند. این لقب که پیش از آن به کسی اطلاق نشده بود بعدها عنوان خاندان وی شد که تا امروز به آن شهرت دارند (بحرالعلوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، مقدمه، ص ۴۳؛ امین، ج ۱۰، ص ۱۵۹).

در ۱۱۹۳ به حج رفت و در مدتی که در حجاز بود، گذشته از اقدامات سودمند دینی، به تدریس فقه مذاهب اربعه پرداخت و افراد بسیاری در حلقه دینی او شرکت کردند. دیگر از سوانح مهم زندگی او مناظره کلامی با دانشمندان یهود در منطقه ذی الکفّل بود که بر اثر آن، گروه بسیاری به اسلام گرویدند (بحرالعلوم، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، مقدمه، ص ۵۰-۶۶؛ مدرّس تبریزی، همانجا؛ حبیب آبادی، ج ۲، ص ۴۱۷). گزارش کامل این مناظره را چندن تن از حاضران در مجلس بحث، از جمله صاحب مفتاح الکرامه، ثبت کرده اند. بحرالعلوم در ۱۲۱۲، در ۵۷ سالگی، درگذشت و نزدیک آرامگاه شیخ طوسی در نجف به خاک سپرده شد (امین، ج ۱۰، ص ۱۵۸؛ قمی، همانجا؛ حبیب آبادی، ج ۲، ص ۴۲۶).

بحرالعلوم که در یکی از درخشانترین دوره های علمی شیعه می زیست، در بعضی از علوم دینی سرآمد اقران بود، و در بعضی دیگر آگاهی لازم را داشت، ازینرو ریاست عامه به او منتقل شد. سید صدرالدین عاملی در گزارش خود گفته است که در نجف عده ای بحرالعلوم را در فقه برتر از شیخ جعفر نجفی می دانند و خود می افزاید که این سخن چندان هم دور از واقع نمی نماید (امین، همانجا).

شهادت اخلاقی و روحیه اصلاح طلبی بحرالعلوم سبب شد که در دوران ریاست عامه، در اجرای تکالیف اجتماعی - دینی با

منظوم‌های است در رثای امام حسین علیه‌السلام، که به اقتضای دوازده بسند محتشم سروده است (بحرالعلوم، ۱۴۰۸، ص ۲۰۷-۲۱۶). علاوه بر این، عالمان دینی را نیز به آگاهی از فنون ادب تشویق می‌کرد و شاعران مذهبی را محترم می‌شمرد. تقدیر و تکریم او از شیخ کاظم آذری، مرثیه‌سرای برجسته عراقی، معروف است (امین، ج ۹، ص ۱۱).

بحرالعلوم به‌رغم دانش فراوان، چندان توفیق تألیف نیافت. سبب عمده این امر را احتیاط و دقت بیش از حد او در نوشتن ذکر کرده‌اند. آثار چندی از او بر جای مانده که برخی از آنها عبارت‌اند از: (۱) المصاییح، در عبادات و معاملات، که از زمان تألیف تاکنون مورد توجه فقها بوده است؛ (۲) الدرّة النجفیّة، که در آن دو باب طهارت و صلاة در بیش از ۲۰۰۰ بیت به نظم درآمده و بر آن شرح‌های فراوان نوشته شده است؛ (۳) مشکاة الهدایة، که در واقع روایت مشور الدرّة النجفیّة در باب طهارت است؛ (۴) الفوائد الرجالیّة، در علم رجال که به معرفی خاندانهای معروف علمی و حدیثی و راویان و عالمان امامی و مطالب متفرقه درباره کتب حدیث و رجال اختصاص دارد و نکاتی نو از مباحث رجالی در آن تبیین شده است؛ (۵) تحفة الکرام فی تاریخ مکه و البیت الحرام، درباره وجه تسمیه و حدود و نقشه و نیز تاریخ بنای کعبه در روایات تاریخی. درباره تأسیس و تجدید بناهای مختلف مکه، و نیز تاریخ بنای مسجد الحرام و ضمایم آن از قبیل صفا و مروه؛ (۶) دیوان شعر، که افزون بر هزار بیت و بیشتر در مدح و رثای اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه‌وآله و سلم است (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۱، مقدمه، ص ۹۴-۹۵؛ امین، ج ۱۰، ص ۱۶۰؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۲۱، ص ۸۱؛ حبیب‌آبادی، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۲۱؛ زرکلی، ج ۷، ص ۱۱۳). علاوه بر این کتابها، بحرالعلوم بیش از هفده رساله درباره موضوعات مختلف فقهی و اصولی تألیف کرده است. رساله‌ای نیز درباره سیر و سلوک به او نسبت داده شده است که عده‌ای، به لحاظ عدم انطباق برخی مطالب آن با موازین و آرای شیعی، چنین نسبتی را منکرند.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محسن‌امین، اعیان الشیعة، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمد مهدی بن مرتضی بحرالعلوم، رجال السید بحرالعلوم: المعروف بالفوائد الرجالیّة، چاپ محمدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، تهران ۱۳۶۳؛ همو، «المقود الاثنی عشر فی رثاء سادات البشر للسید بحرالعلوم»، تراث، سال ۳، ش ۱۰ (محرّم ۱۴۰۸)؛ اسماعیل بغدادی، ایضاح المکنون، استانبول ۱۹۷۲، ج ۱، ص ۴۶۱، ج ۲، ص ۲۴۲؛ تحفة الکرام فی تاریخ مکه و المسجد الحرام، نسخه خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم، ش ۹۷۳؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، اصفهان

۱۳۶۲-۱۳۶۴ ش؛ محمدباقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۷، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۲؛ علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران ۱۳۲۵-۱۳۶۱ ش؛ ذیل «بحرالعلوم، محمد مهدی بن مرتضی»؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۶؛ عباس قمی، کتاب الکنی و الألقاب، صیدا ۱۳۵۸؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف ۱۳۴۹-۱۳۵۲؛ محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ حسین بن محمد تقی نوری، جنة المأوی، در مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، مستدرک الوسائل، ج ۳، تهران ۱۳۲۱.

/ محمد رضا انصاری، با اضافاتی از گروه معارف اسلامی (د.ج. اسلام) /

بحرالعلوم لکهنوی، ابروالمعاش عبدالعلی

محمد بن نظام‌الدین محمد بن قطب‌الدین انصاری لکهنوی ملقب به بحرالعلوم، متکلم بزرگ حنفی مذهب هند در قرن دوازدهم. پدرش ملا نظام‌الدین از خانواده‌های «فرنگی محل» لکهنو و پایه‌گذار «درین نظامی» بود. نسب وی را به خواجه عبدالله انصاری می‌رسانند، یکی از بازماندگان خواجه به نام شیخ علاء‌الدین (نیای بحرالعلوم با ده واسطه) از هرات به هند آمده بوده و مدفنش امروزه در پژناوه (میان مئهر و دهلی) است. نسل بعد از او در شهر سیهالی، در نزدیکی لکهنو، اقامت گزیدند. خانواده آنها در عهد اورنگ زیب به فرنگی محل نقل مکان کردند (رحمان علی، ص ۱۶۸؛ «آلندوه»). جدش ملا قطب‌الدین (متوفی ۱۱۰۳) و پدرش (متوفی ۱۱۶۱) هر دو از عالمان نامداری بودند که موجب شهرت خانواده خود در هند شدند.

بحرالعلوم در ۱۱۴۴ در لکهنو به دنیا آمد. نزد پدرش تحصیل کرد و در هفده سالگی دوره تحصیلات اسلامی را نزد او به پایان برد [سلسله تلمذ وی از طریق پدر به جلال‌الدین دوانی و دیگر علمای ایران می‌رسد]. پس از مرگ پدر، نزد کمال‌الدین سہالوی فتحپوری (متوفی ۱۱۷۵)، شاگرد پدرش، به تحصیل ادامه داد (بروکلمان، «ذیل»، ج ۲، ص ۶۲۴) و مدتی بعد کار تعلیم و تألیف را در لکهنو آغاز کرد [در پی حادثه و سوء تفاهمی که منجر به رنجش شیعیان اوده* شد (انصاری ۱۵۰)، لکهنو را ترک کرد و به شاهجهانپور رفت و بیست سال در آنجا اقامت گزید، سپس به رامپور رفت (نجم‌الغنی، ج ۱، ص ۵۹۶، ۶۰۰) و چهار سال هم در آنجا ماند. پس از آن، منشی صدرالدین بزدوانی از او دعوت کرد که به مدرسه بهار (بنگال) برود؛ و سپس به دعوت نواب والا جاه محمدعلی خان کزناتکی (متوفی ۱۲۱۰)، به همراه ۶۰۰ تن از «رجال علم»، به مدرس رفت. نواب لقب «ملک‌العلماء» را به او اعطا کرد، برایش مدرسه‌ای ساخت و برای او و همراهان و شاگردانش وظیفه